

به نام خدا

ماهنامه کاوش (۴۱)

فهرست مطالب

- ۱..... سخن نخست
- ۲..... تأثیر بهار عربی بر رقابت ایران - آمریکا
- ۶..... خاورمیانه جدید
- ۹..... چین به تحریم‌های ایران عمل نمی‌کند
- ۱۲..... خرابکاری آمریکا در برنامه هسته‌ای ایران
- ۱۵..... ایران مانع برنامه‌های جهان عاری از تسلیحات اتمی نخواهد شد
- ۱۸..... بسترهای مداخله نظامی آمریکا
- ۲۲..... گزارش پیشرفت برنامه اتمی ایران
- ۲۵..... معنای مرگ بن‌لادن برای ایران چیست؟
- ۲۸..... تلاش برای قطع اینترنت در ایران
- ۳۱..... اینترنت در چمدان: طرح آمریکا برای دور زدن سانسور اینترنت
- ۳۵..... شکست احمدی‌نژاد، ضرر آمریکا
- تکس‌های وزارت خارجه نشان‌دهنده حرص و ولع آمریکا درباره هر چیزی است که درباره ایران است
- ۳۷.....
- ۴۰..... زمان خروج نام مخالفان دولت ایران از لیست سیاه فرا رسیده است
- ۴۴..... معافیت سوریه از مجازات اتمی
- ۴۷..... کابینه تازه تأسیس لبنان؛ تبریک ایران، تردید آمریکا

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۰۸۹۹

دفتر: مطالعات سیاسی

مردادماه ۱۳۹۰



ماهنامه کاوش (۴۱)

سخن نخست

یکی از مهمترین مسائل مؤثر در حوزه سیاستگذاری خارجی، درک شرایط بین‌المللی و اتخاذ سیاست‌های مناسب در پرتو شناخت پشتوانه‌های فکری قدرت‌های رقیب است. این شناخت از طریق آگاهی از رویکردها، برداشتها و نگرش‌های سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نسبت به تحولات نظام بین‌الملل به دست می‌آید و می‌تواند نقش مهمی در روند تصمیم‌سازی یک سیاست خارجی مؤثر داشته باشد. بدین منظور ماهنامه کاوش با هدف انتقال چکیده مهمترین مباحث تحلیلی و خبری گروه‌های فکری و پژوهشی و رسانه‌های معتبر بین‌المللی، تلاش دارد تا به بررسی عمده‌ترین مطالب ماه گذشته برخی از مهمترین مجلات علمی، سایت‌ها و پایگاه‌های تحلیلی غربی در قبال مسائل ایران بپردازد. براین اساس، در شماره ۴۱ کاوش، مقالاتی در مورد برنامه هسته‌ای ایران و سایر موضوعات جدید و مرتبط با روابط خارجی ایران و کشورهای منطقه، انتخاب و منعکس شده است. مسلماً درج این مطالب و تحلیل‌ها تنها جهت اطلاع و مراجعه بعدی اندیشمندان و محققان محترم بوده و به منزله تأیید آنها از جانب دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌ها نیست. ماهنامه کاوش در همین حال جهت تقویت و بهبود رویه خود از پیشنهادها و انتقادات اندیشمندان محترم استقبال می‌کند.

عنوان: تأثیر بهار عربی بر رقابت ایران - آمریکا^۱

نویسنده: آلن لایپسون

منبع: The Iran Primer^۲

آشفته‌گی و ناآرامی در سیاست اعراب، تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی بر روابط ایران و آمریکا خواهد داشت. نتایج نامشخص در مورد تحولات اخیر در خاورمیانه - به‌ویژه اینکه چه کشورهایی غیر از مصر، تونس و احتمالاً یمن، دچار تغییرات در رهبری و یا تحول سیستمی می‌شوند - به این معناست که نه تهران و نه واشنگتن نمی‌توانند مطمئن باشند که دوستان و شرکای آنان چه کسانی خواهند بود. زیرا که در این شرایط مبهم موجود، ممکن است تحولات متفاوتی رخ دهد و چندین کشور عربی سیاست داخلی و خارجی خود را بازتعریف کنند. به‌عنوان نمونه، در مصر ممکن است سیاست‌های نظام سیاسی جدید، کمتر با واشنگتن از نزدیک هماهنگ شود و یا کمتر بر معاهده صلح ۱۹۷۹ با اسرائیل به‌عنوان محور روابط منطقه‌ای اش استوار باشد و یا همچنین بیشتر بر طرح مجدد نقش تاریخی مصر به‌عنوان رهبر و موتور سیاست عرب، متمرکز شود. در این شرایط، کشورهای خلیج فارس اگرچه هنوز در مورد تهدید ایران و افراط‌گرایی، مایل به مشارکت با آمریکا هستند، لکن به‌سوی یک موضع تهاجمی‌تر در حرکت هستند. چنانچه دفاع شدید آنها از پادشاهی بحرین آشکارا نشان می‌دهد که تنش شیعه - سنی که در طول بیش از ده سال گذشته - ابتدا در لبنان و سپس در عراق - برانگیخته شده است می‌تواند مجدداً به‌عنوان یک موضوع تعیین‌کننده

1. Ellen Laipson, "The Arab Spring's Impact on U.S.-Iran Rivalry", The Iran Primer, 19 May, 2011.

۲. یکی از پایگاه‌های مهم وابسته به «مؤسسه صلح ایالات متحده» که به بررسی تحولات مرتبط با ایران می‌پردازد.



برای کشورهای خلیج فارس مطرح شود.

همه اینها مبین این است که روابط منطقه‌ای بین کشورهای عربی، اعراب و ایران و در نهایت منطقه و آمریکا سیال است. در بهترین وضعیت، یک دنیای عرب که اعتماد به نفس بیشتری داشته و حداقل بعضاً دمکراتیک‌تر باشد، راه خود را برای مدیریت چالش‌های ناشی از نقش منطقه‌ای ایران پیدا خواهد کرد. زیرا که منطقه‌ای با چندین مرکز قدرت - شامل مصر، عراق و عربستان سعودی - بهتر می‌تواند درخصوص امنیت منطقه‌ای هماهنگی کرده و موازنه‌ای را در برابر بلندپروازی‌ها و نفوذ ایران ایجاد کند. چنین تحولی در خاورمیانه مسلماً به صورت غیرمستقیم با منافع و استراتژی‌های آمریکا همسو خواهد بود.

با این وجود، تنش جدیدی میان جمهوری‌های عربی که در اوج شرایط انتقالی و طوفانی قرار دارند با نظام‌های سلطنتی خلیج فارس، مراکش و اردن که مدافع وضع موجود یا اصلاحات تدریجی هستند، درحال بروز است. در این وضعیت، پویایی نظام درحال تغییر منطقه‌ای، گویای این موضوع است که آمریکا و ایران به رقابت خود در این خصوص که کدام کشور بهتر تجسم‌کننده ارزش‌ها و آمال مردم خاورمیانه است، ادامه خواهند داد. این مسئله ممکن است برای ایجاد چشم‌انداز تغییر مثبت در روابط ایران و آمریکا کلیدی نباشد، ولی بخشی از زمینه استراتژیکی است که داستان طولانی روابط ایران و آمریکا در آن شکل می‌گیرد.

نویسنده معتقد است در کوتاه‌مدت از نفوذ هر دو کشور آمریکا و ایران کاسته می‌شود. وقایعی که از دسامبر سال ۲۰۱۰ در خاورمیانه اتفاق افتاده اکثراً داخلی بوده و هر جامعه‌ای بر تاریخ و ظرفیت خود برای تغییر متمرکز شده است. بنابراین هر

کشوری تلاش می‌کند که به توازن سیاسی جدیدی دست یابد که بهتر اراده مردم را منعکس کند. در این شرایط است که فعالانی که بهار عربی را ساختند به اینکه بدون کمک و دخالت خارجی فعالیت کردند افتخار می‌کنند. مسلماً در این وضعیت، همه نیروهای خارجی بیشتر مشاهده‌گر بوده‌اند تا مشارکت‌کننده و همه در تکاپوی شناخت بیشتر رهبران جدید و بالقوه دولت‌ها و جوامع مورد نظر هستند.

از سه دهه پیش که مصر متعهد به صلح با اسرائیل شد، دو کشور در یک جنگ سرد با هم بوده‌اند. وزیر خارجه مصر نبیل العربی - که اخیراً به‌عنوان دبیرکل اتحادیه عرب انتخاب شد - گفت که مصر خواهان رابطه خوب با همه دولت‌ها از جمله ایران است، ولی همه پیش‌شرط‌های حقوقی و مراحل دیپلماتیک لازم برای برقراری رابطه تحقق نیافته است. برقراری رابطه دو کشور تعیین‌کننده خاورمیانه یعنی ایران و مصر قطعاً به‌عنوان یک دستاورد برای ایران و شکستی برای آمریکا نگریسته خواهد شد. آمریکایی که همه کشورها را ترغیب کرده که از طریق فشارهای اقتصادی و سیاسی، ایران را تا زمان تغییر سیاستش درخصوص برنامه مناقشه‌انگیز هسته‌ای منزوی کنند. ولی حتی اگر روابط دیپلماتیک برقرار شود، اکثر کشورهای عربی در مورد نیات و توانمندی ایران در بی‌ثبات‌سازی یکایک کشورها و روابط منطقه‌ای نگران خواهند ماند. کشورهای عرب ممکن است با شدت کمتری نگران فعالیت‌های هسته‌ای ایران باشند و بیشتر دغدغه دامن زدن ایران به تنش‌های فرقه‌ای و یا تشویق حزب‌الله و دیگر متحدین به تحریک اسرائیل به درگیری را داشته باشند. بنابراین ممکن است ایران پیشرفت‌هایی را در زمینه روابط رسمی دولتی با دولت‌های منطقه داشته باشد ولی ائتلاف‌های حقیقی با اکثر کشورهای سنی عرب غیرمحمول است.



نویسنده در ادامه تأکید می‌کند که از آنجایی که سوریه در دنیای عرب مهمترین و نزدیکترین رابطه را با ایران دارد، ناآرامی آن کشور بیشترین چالش را برای ایران به وجود آورده است. سقوط رژیم اسد، یک شکست فاحش برای نفوذ ایران در منطقه خواهد بود. ولی قدرتهای خارجی با منافع جدی در سوریه به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای شامل آمریکا، فرانسه و دیگر اعضای اتحادیه اروپا، با توجه به فقدان اطمینان از اینکه پس از این دیکتاتوری طولانی چه ظهور خواهد کرد، هنوز حمایت خود را از تغییر رژیم اعلام نکرده‌اند. تحول در سوریه در طول زمان، دستاوردی برای غرب و شکستی مهم برای ایران خواهد بود.

عنوان: خاورمیانه جدید^۱

نویسنده: فرید زکریا

منبع: Saudi in Focus^۲

از زمان پایان جنگ سرد، آمریکا قدرت مسلط و بی‌رقیب در خاورمیانه بوده است. وضعیت در حال تغییر است، نه به این دلیل که قدرت بزرگ دیگری وارد خاورمیانه شده است، بلکه به این علت که عرب‌ها در حال مستقل‌تر شدن هستند. تصمیم مصر مبنی بر برقراری رابطه با ایران و حماس بخشی از این روند است. واشنگتن قادر به تغییر آن روند نبوده و نباید به چنین تلاشی هم دست زند. این دنیای عرب جدید و دمکراتیک است. اگر امروز نظری به منطقه بیاندازید، دو انقلاب (عمدتاً) مسالمت‌آمیز در تونس و مصر، یک قیام علیه حکومت معمر قذافی در لیبی، یک شورش مداوم در یمن و اینک یکسری تظاهرات در سوریه به وقوع پیوسته است. علاوه بر آن تظاهرات اصلی، تقریباً نوعی تظاهرات در دیگر کشورهای عربی انجام شده است و همه شواهد ناظر بر این است که نیروهای رها شده در منطقه در ماه‌ها و حتی سال‌های آتی، به لرزاندن منطقه ادامه خواهند داد.

عرب‌ها برای قرن‌ها تحت سلطه قدرت‌های خارجی بوده‌اند. تا قرن شانزدهم، امپراتوری عثمانی که برای ۴۰۰ سال بر عربستان حکومت کرده بود، جایگزین ایران و مغول‌ها شد. با آغاز افول قدرت عثمانی، ابتدا فرانسوی‌ها و سپس انگلیسی‌ها وارد خاورمیانه شدند. پس از سقوط امپراتوری عثمانی در سال ۱۹۱۹ آنها با یک حرکت

1. Fareed Zakaria, "A New Middle East", Saudi Infocus, May 7th, 2011.

۲. یکی از نشریات مهم در بررسی تحولات خاورمیانه است.



قلم بر نقشه منطقه، آن را به کشورهای تقسیم کردند و رئیس‌های محلی را به‌عنوان پادشاهان دولت‌های جدیدالتأسیس منصوب کردند. با سقوط خود امپراتوری‌های اروپایی پس از جنگ جهانی دوم، دو ابرقدرت جایگزین آنها شده و به انتخاب دولت‌های دست‌نشانده و حمایت و تأمین امنیت آنها پرداختند. پس از پایان جنگ سرد، دولت‌های عربی که از آمریکا حمایت کرده بودند موفق شدند. آنها که این حمایت را دریغ کردند، خود را تنها یافته، لذا یا حامیان جدید یافتند (سوریه به سوی ایران رفت) و یا سعی کردند که با آمریکا مصالحه کنند (که این توضیح‌دهنده عمل لیبی در نفی و چشم‌پوشی از سلاح‌های اتمی‌اش است). در هر حال آمریکا قدرت مسلط شد و غالب کشورهای خود را با اولویت‌های آن تطبیق دادند.

ولی در ده سال گذشته آمریکا تمایل و ظرفیت حفظ این موضع شبه‌امپراتوری را از دست داده است. زیرا دریافته است که تحت ریاست جمهوری جرج بوش و باراک اوباما حمایت‌های بی‌قید و شرط از دیکتاتورهای عرب، نهال یک جنبش تروریستی افراطی را کاشته است که در کنه خود ضدآمریکایی است. حمایت آمریکا از رژیم‌های عرب، مقید و غیرقطعی‌تر شد، ولی واشنگتن خسته از دو جنگ، بحران مالی و یک رکود عمیق، همچنین ظرفیت خود برای عمل را از دست داد. در نتیجه نیروهای داخلی در دنیای عرب - تقویت شده به وسیله بافت جمعیتی، تکنولوژی و یک جنبش جوانان - متلاطم کردن منطقه را آغاز کردند. حال که این نیروها آزاد شده‌اند، ناگهان از صحنه حذف نخواهند شد.

نقاطی در دنیای عرب وجود دارند که آنقدر کوچک و ثروتمند هستند که شاید تا حد زیادی تغییر نکنند. ولی صرفنظر از تعدادی اندک از شیخ‌نشین‌های صاحب نفت، همه جوامع منطقه، فشار برای تغییر را احساس می‌کنند. حتی در مناطقی که به‌نظر می‌رسد

سرکوب تاکنون موفق بوده است، بعید است که برای همیشه مؤثر واقع شود. بحرین را ملاحظه کنید که دولتش تظاهرات را با پرداخت هزینه زیاد سرکوب کرده، شکاف سنی و شیعه را تشدید کرده و عملاً به یک کشور تحت قیمومیت پادشاهی عربستان تبدیل شده است. این نشانی از ثبات بلندمدت کشور نیست. هر نتیجه‌ای برای سوریه، لیبی و یمن رقم خورد، با اطمینان می‌توان گفت که پنج سال دیگر این کشورها چهره دیگری خواهند داشت. به‌نظر می‌رسد تنها تجربه موفق و واقعی اصلاحات پیشگیرانه در مراکش باشد که پادشاه پیشنهاد کرده است بخش عمده قدرتش را به یک نخست‌وزیر انتخابی تفویض کند. اگر این تجربه موفق شود مدلی بسیار قوی خواهد بود و فشاری بر پادشاهی‌های خلیج فارس وارد خواهد آورد که از آن تجربه پیروی کنند. معنای این تحولات برای آمریکا چیست؟ برژینسکی به من گفت که اگر به عقب و به سال ۱۹۷۵ بازگردید می‌بینید که آمریکا متحد نزدیک چهار کشور اصلی منطقه، یعنی ایران، مصر، ترکیه و عربستان سعودی بود. امروز همه این روابط دارای مشکل هستند، ولی این نشانه‌ای از ماهیت عجیب استیلای منطقه‌ای آمریکا است. ما متحد رژیم‌هایی بودیم - مانند شاه ایران، دیکتاتورهای مصر و ارتش ترکیه - که در برابر وزیدن نسیم مدرنیته دوام نداشتند.

اینک واشنگتن مجبور خواهد شد با یک خاورمیانه مدرن‌تر، دمکراتیک‌تر و توده‌گراتر ائتلاف کند، ولی روابط با این خاورمیانه واقعی‌تر و باثبات‌تر خواهد بود. همان‌طوری که واشنگتن حمایت از دیکتاتورهای کره جنوبی و تایوان را به دمکرات‌ها انتقال داد؛ حمایت از نیروهای دمکراتیک در شیلی و فیلیپین را جایگزین حمایت از پینوشه و مارکوس کرد، هم‌اکنون باید راهی بیابد که به‌جای حمایت از شاهزاده‌های دنیای عرب از مردم حمایت کند. این سفری سخت، ولی حیاتی است.



عنوان: چین به تحریم‌های ایران عمل نمی‌کند^۱

نویسنده: باربارا اسلاوین

منبع: Politico^۲

پس از عقیم ماندن تلاش دولت باراک اوباما برای گفتگو با ایران، آمریکا و متحدانش با اعمال فشارهای اقتصادی از طریق وضع تحریم‌های گسترده و شدیدتر تصمیم گرفتند تا حکومت ایران را برای متوقف ساختن برنامه‌های هسته‌ای آن کشور تحت فشار قرار دهند.

اخیراً دولت آمریکا ۷ شرکت دیگر را به خاطر فروش بنزین به ایران در فهرست تحریم قرار داد. طبق مصوبه کنگره و صدور دستوری توسط ریاست جمهوری آمریکا در تابستان سال ۲۰۱۰ فروشندگان بنزین به ایران از سوی آمریکا تحریم و مجازات خواهند شد. این سخت‌گیرانه‌ترین لایحه‌ای است که در راستای مجازات ایران از زمان روی کار آمدن جمهوری اسلامی توسط حکومت آمریکا به اجرا گذاشته شده است.

با این حال، در فهرست تحریم‌شدگان توسط آمریکا نام هیچ شرکت چینی به چشم نمی‌خورد؛ در صورتی که طبق تحقیقات مرکز پژوهشی «بنیاد دفاع از دموکراسی» در واشنگتن، چین حدود یک‌سوم از بنزین وارداتی ایران را تأمین می‌کند. در عین حال چین بزرگ‌ترین طرف معامله تجاری و بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار در صنایع نفت و گاز ایران است.

تحقیقات دیگری که توسط مرکز پژوهشی «آتلانتیک» انجام شده نشان می‌دهد تا

1. Barbara Slavin, "China Undercuts Sanctions on Iran", Politico, 2 June, 2011.

۲. از نشریات مهم که به بررسی مسائل سیاست بین‌الملل می‌پردازد.

زمانی که بهای نفت خام در حد کنونی باقیمانده و چین به حضور پرنرنگ خود در اقتصاد ایران و به‌ویژه عرصه نفت و گاز ادامه می‌دهد تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران به نتیجه چندانی نخواهند رسید.

دولت چین به تمام قطعنامه‌های سازمان ملل متحد در مورد تحریم ایران طی سال‌های اخیر رأی مثبت داده است ولی این کشور برخلاف آمریکا و متحدانش تحریم‌های اضافی‌ای را که می‌تواند به ایران فشار بیاورد به اجرا نگذاشته است. چین از سال گذشته تا حدی از میزان سرمایه‌گذاری و حضور خود در عرصه نفت و گاز ایران کاسته و دلیل آن نیز این بود که دولت آمریکا را متقاعد سازد تا شرکت‌های چینی را تحریم نکند. پیام‌های دیپلماتیک محرمانه‌ای که توسط وب‌سایت «ویکی لیکس» برملا شده‌اند نشان می‌دهد که مقامات چینی با صراحت در گفتگوهای خود به مقامات آمریکایی گفته‌اند که منابع تأمین انرژی آن کشور را تهدید نکند چون در غیر آن صورت آمریکا با واکنش و پیامدهای جدی روبرو خواهد شد. در عین حال موضع دولت چین در قبال برنامه‌های هسته‌ای ایران بسیار مبهم و دوپهلوی است. به نظر می‌رسد که دولت چین روابط حسنه خود با یک قدرت منطقه‌ای مثل ایران را به نگرانی‌های جهانی در مورد خلع سلاح هسته‌ای ترجیح می‌دهد.

کارشناسان سیاست خارجی چین معتقدند که این کشور در قبال ایران یک سیاست دوگانه را تعقیب می‌کند. از یک سو به خاطر نیاز به انرژی سعی دارد به هر شکل و به هر اندازه‌ای که می‌تواند در ذخایر عظیم و دست نخورده نفت و گاز ایران سهمی شود و از سوی دیگر تلاش می‌کند تا مناسبات با آمریکا درخصوص بحران هسته‌ای ایران را حسنه نگاه دارد تا فضای فعالیت‌های این کشور در عرصه انرژی



ایران تهدید نشود. برخی از کارشناسان معتقدند که گرایش‌هایی در درون حکومت چین ترجیح می‌دهند که ایران به قدرت هسته‌ای دست یابد. چون در آن حالت آمریکا ناگزیر می‌شود بخش مهمی از توانایی نظامی خود را به خاورمیانه اختصاص داده و در نتیجه وزن نظامی آن در منطقه آسیای شرقی که حوزه نفوذ چین است کاهش خواهد یافت.

برای دستیابی به یک راه‌حل دیپلماتیک در مورد بحران هسته ایران دولت آمریکا ناگزیر است حمایت و همراهی عناصر گوناگون در جامعه بین‌المللی را جلب کند. ولی در عین حال برای تضمین کارآیی تحریم‌های بین‌المللی آمریکا باید از دولت چین بخواهد که با استفاده از نفوذ و همکاری‌های اقتصادی خود حکومت ایران را برای پذیرش یک راه‌حل دیپلماتیک تحت فشار قرار دهد. دولت چین نیز به‌عنوان یک قدرت رو به رشد باید نشان دهد که نسبت به امنیت بین‌المللی و مسئله خلع سلاح هسته‌ای، حساسیت و توجه لازم را دارد. در عین حال ایفای نقش میانجی بین غرب و ایران برای حل این بحران می‌تواند به نفع آن کشور نیز تمام شود. در غیر این صورت پیشرفت ایران در زمینه برنامه‌های هسته‌ای ادامه خواهد یافت و دشواری‌ها در مناسبات چین و آمریکا به‌عنوان دو قدرت و دو اقتصاد بزرگ جهان افزایش خواهد یافت.

عنوان: خرابکاری آمریکا در برنامه هسته‌ای ایران^۱

نویسنده: مایک شوستر

منبع: NPR^۲

آمریکا از سال‌ها قبل به دنبال توقف برنامه اتمی و رفتار بد ایران در خاورمیانه و دیگر نقاط جهان بوده و تأکید کرده که آمریکا در این سال‌ها برای رسیدن به اهداف خود از ابزارهایی چون تحریم اقتصادی، محکومیت‌های سازمان ملل، تعاملات دیپلماتیک و تهدید به اقدام نظامی بهره گرفته است؛ ولی این اقدامات نتیجه کمی دربر داشته یا اساساً بدون موفقیت بوده است. در همین زمان، فعالیت‌های پنهانی نیز جریان داشته است؛ تلاش‌هایی چون جنگ سایبری، ترور و فرار دانشمندان هسته‌ای ایران از کشور که این تلاش‌ها موفقیت‌هایی در پی داشته است.

جنگ مخفی آمریکا در ایران طی سال گذشته بیشتر به‌عنوان عملیات اطلاعاتی شناخته شده است. بدون تردید جنگی مخفی علیه ایران در جریان است و حداقل دو بازیگر یعنی آمریکا و اسرائیل درگیر آن هستند؛ چنانچه آلوده کردن دستگاه‌های صنعتی و هسته‌ای ایران به کرم کامپیوتری «استاکس‌نت» نتیجه همکاری اسرائیل و آمریکا بود و این کرم در اسرائیل و با همکاری سازمان سیا طراحی شده و در سال ۲۰۰۹ وارد شبکه‌های کامپیوتری ایران شد.

این کرم به سانتزیفیوژهای غنی‌سازی اورانیم دستور می‌دهد که سریع‌تر عمل کنند که در نتیجه آن، حدود یک‌هزار دستگاه از این سانتزیفیوژها در تأسیسات اتمی

1. MIKE SHUSTER, "Inside The United States' Secret Sabotage Of Iran", NPR, 9 May, 2011.

۲. ان.پی.آر (رادیو ملی آمریکا).



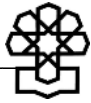
نظن خراب شده یا از بین رفته‌اند. این کرم نه تنها موجب نابودی یک هزار دستگاه سانتریفیوژ در نظن شده است بلکه جمهوری اسلامی ایران را وادار کرد تا به مدت چند روز این تأسیسات را تعطیل کند. کارشناسان امنیت کامپیوتری معتقدند که کرم اصلی به این منظور طراحی شده بود که حملات چندجانبه‌ای را صورت دهد. دیوید آلبرایت، رئیس مؤسسه علوم و امنیت بین‌الملل در واشنگتن می‌گوید که ممکن است چنین اتفاقی رخ داده باشد. در واقع ممکن است ویروس‌های دیگری در راه باشد. به اعتقاد وی، «ایده تخریب چندجانبه در چنین برنامه‌ای طراحی شده بود ولی ایران تنها پیش‌پاافتاده‌ترین راه را برای خنثی کردن آن دنبال کرده است و آن راه نیز این بوده که همه چیز تعطیل شود تا بفهمیم چه اتفاقی رخ داده است.

موفقیت کرم استاکس‌نت می‌تواند سازندگان آن را به طراحی استاکس‌نت ۲ یا حتی ویروس‌های دیگری که ایران را هدف قرار دهند، ترغیب کند. گرچه ایران ممکن است که رایانه‌های جدید را جایگزین قبلی‌ها کند ولی هیچ تضمینی وجود ندارد که آنها نیز مورد حمله خرابکارانه قرار نگیرند. از سوی دیگر به نظر برخی کارشناسان، چنین امکانی وجود ندارد که ایران از بازارهای بین‌المللی، کامپیوترهایی برای برنامه هسته‌ای خود خریداری کند و آنها مورد خرابکاری قرار نگیرند.

یکی از دیگر محورهای اقدامات غرب مربوط به خرابکاری در تجهیزات است. یکی از نقاطی که دچار مشکل شده، نیروگاه هسته‌ای بوشهر است که روس‌ها به‌عنوان سازنده آن، کارها در این نیروگاه را برای مدتی به‌منظور بررسی آلودگی دستگاه‌ها به کرم استاکس‌نت متوقف کردند. به گفته دیوید آلبرایت، موتورها و پمپ‌های خلأ از جمله قسمت‌های سانتریفیوژها هستند که در آنها خرابکاری شده

است. بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تجهیزاتی را در تأسیسات هسته‌ای ایران کشف کرده‌اند که رد آنها به یکی از آزمایشگاه‌های ملی آمریکا می‌رسید.

روشن است که این تجهیزات سپس به یک شرکت صوری ارسال شده و آنها نیز این دستگاه‌ها را به ایران فروخته‌اند. این تجهیزات برای خرابکاری مورد استفاده قرار گرفته یا اینکه آلوده شده‌اند و می‌توانند اطلاعاتی را از محل تأسیسات مخفی هسته‌ای ایران جمع‌آوری کنند. یکی از نتایج چنین برنامه‌هایی در طول زمان این است که نوعی ترس را در ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران در میان مسئولین جمهوری اسلامی به‌وجود می‌آورد. آنها برای خرید هر چیزی به شدت احتیاط خواهند کرد، زیرا ممکن است قرص نابودگری باشد که به داخل برنامه هسته‌ای ایران انداخته می‌شود. یکی از مقام‌های ایران اخیراً تأیید کرد یک ویروس کامپیوتری دیگر کشف شده است. وی این ویروس را «استارس» معرفی کرد و گفت که ایران توانسته است آن را خنثی کنند. وجود چنین ویروسی از سوی کارشناسان امنیت کامپیوتری در خارج از ایران مورد تأیید قرار نگرفته است. با این حال، تلاش برای خرابکاری در برنامه هسته‌ای ایران از طریق جنگ سایبری یا سایر روش‌ها به‌طور قطع ادامه خواهد داشت.



عنوان: ایران مانع برنامه‌های جهان عاری از تسلیحات اتمی نخواهد شد^۱

نویسنده: تام دانیلون (مشاور امنیت ملی دولت اوباما)

منبع: Financial Times^۲

باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا دو سال قبل در پراگ اقداماتی را برای پیشبرد هدف جهان عاری از سلاح‌های هسته‌ای مطرح کرد. در ۲۴ ماه پس از آن زمان، ما بنیان اقدامات بعدی برای کنترل تسلیحات را گذاشته‌ایم اما اکنون به اقدام تازه‌ای نیاز است. توافقاتی صورت گرفته در این خصوص محکم است.

پیمان نیواستارت با روسیه به پایین‌ترین حد تسلیحات هسته‌ای از دهه ۱۹۵۰ تاکنون می‌انجامد. شورای امنیت سازمان ملل تحریم‌های بی‌سابقه‌ای را علیه ایران و کره شمالی وضع کرده است تا به وظایفشان عمل کنند و مواد هسته‌ای کافی برای صدها سلاح در جهان جابجا شده به شرایط امن‌تری منتقل شده یا حذف شده است. ما برای پایان دادن به برنامه‌های هسته‌ای غیرقانونی و متوقف کردن تولید و تکثیر سلاح‌های هسته‌ای همچنان فشار را بر ایران و کره شمالی حفظ خواهیم کرد. ایران مشخصاً تلاش می‌کند از تغییرات گسترده در سراسر خاورمیانه بهره‌برداری کند، اما تناقص در این ادعا که از اصلاحات در کشورهای دیگر حمایت می‌کند در حالی که این امر را در داخل سرکوب می‌کند برای همه در دنیا مشهود شده است.

برخی بر این باورند که تغییرات منطقه، نفوذ ایران را افزایش خواهد داد. در واقع عکس این تصور اتفاق خواهد افتاد. در خاورمیانه‌ای که بیشتر شهروندانش خودشان

1. Tom Donilon, "Iran will not Hinder Plans for a Nuclear-free World", Financial Times, 17 April, 2011.

۲. فایننشال تایمز، از نشریات مهم و معتبر پرتیراژ آمریکایی است.

سرنوشتشان را تعیین کنند ایران در اقداماتش به شکل فزاینده منزوی خواهد شد. ما در نقاط دیگر ظرف چهار سال برای تأمین امنیت مواد هسته‌ای آسیب‌پذیر اقدام خواهیم کرد و از بانک سوخت بین‌المللی جدید برای تضمین این مسئله بهره می‌گیریم که استفاده از انرژی هسته‌ای به تولید و تکثیر سلاح‌های هسته‌ای منتهی نخواهد شد. ما همچنین تلاش خواهیم کرد پیمان جامع منع آزمایش‌های هسته‌ای را اجرایی کنیم و همزمان برای دستیابی به معاهده‌های بیشتری درخصوص منع تولید مواد شکافت‌پذیر برای سلاح‌های هسته‌ای اقدام می‌کنیم.

موانع سیاسی مهمی باید از سر راه برداشته شود تا این دو هدف آخر محقق شود. درخصوص پیمان جامع منع آزمایش هسته‌ای ما باید با نشان دادن اینکه این پیمان در خدمت منافع آمریکا به‌ویژه آرایش‌های هسته‌ای اخیر در آسیا خواهد بود حمایت سنا را جلب کنیم. در همین حال اگر معامله بر سر کاهش مواد شکافت‌پذیر به بن‌بست رسید ما برای ایجاد گروه جدیدی از کشورهای هم‌اندیش برای حرکت به جلو اقدام خواهیم کرد.

همزمان با اینکه ما پیمان نیواستارت را به سرانجام می‌رسانیم دور بعدی کاهش سلاح‌های هسته‌ای باید شروع شود. بررسی تحت نظارت اوباما گزینه‌هایی را برای کاهش مجدد زرادخانه هسته‌ای آمریکا فراهم خواهد کرد. زمانی که این روند کامل شود زمینه برای توافقی تازه با روسیه مهیا خواهد شد. توافقات پیشین فقط به برخی جنبه‌های سلاح‌های هسته‌ای می‌پرداخت اما ما بر این باوریم که دور بعدی این توافقات باید تا حد ممکن گسترده باشد و سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی و غیرمستقر را نیز دربرگیرد. ما باید به موضوع سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی روسیه بپردازیم که هیچ‌گاه از نظر کمی در معرض محدود شدن قرار نداشته‌اند. برای این کار ما همچنان



که روسیه به اقداماتی برای کاهش نیروهای تاکتیکی خود و نیز تغییر موقعیت دادن آنها از مرزهای ناتو دست می‌زند باید به دنبال کاهش نقش و تعداد سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی آمریکا باشیم. ما همچنین تمایل داریم شفافیت بیشتری در خصوص تعداد موقعیت و نوع این نیروهای تاکتیکی در اروپا وجود داشته باشد.

این کاهش‌های تازه آسان نخواهد بود. هر دو کشور درحالی که از اطلاعات امنیت ملی خود محافظت می‌کنند باید بتوانند بر سلاح‌های هسته‌ای خود در انبارها و نیز سلاح‌های در دست تولید، نظارت داشته باشند. این به آن معناست که تقاضای بیشتری برای تأیید اجرا شدن هرگونه توافقاتی وجود خواهد داشت و ما قصد داریم بحث در این باره را در آینده نزدیک با روسیه شروع کنیم. در نهایت آمریکا به یک سیستم دفاع موشکی برای دفاع در برابر تهدیدهای موشکی نوظهور نظیر ایران و کره شمالی متعهد مانده است. در اروپا این نگرش ما با استقبال ناتو در نشست لیسبون روبرو شد و این امر راه را برای همکاری دفاع موشکی میان روسیه و آمریکا هموار کرد، همکاری‌ای که امنیت هر دو کشور و نیز اروپا را تقویت می‌کند.

اواما دو سال قبل در پراگ گفت برخی بر این باورند که ما محکوم هستیم در جهانی زندگی کنیم که در آن بیشتر کشورها و مردم مجهز به ابزارهای نهایی تخریب هستند اما او همچنین هشدار داد که چنین تقدیرگرایی یک تفکر مرگبار است. با گذشت دو سال از آن زمان، روشن است که زمانی که جامعه بین‌المللی با یکدیگر کار می‌کند تا به تهدیدی مشترک بپردازد، پیشرفت امکانپذیر است. ما همچنان اطمینان داریم که اگر این عزم برقرار بماند، جهانی با کشورهای کمتری که چنین ابزار نهایی را برای تخریب در اختیار دارند در چشم‌انداز ما وجود خواهد داشت.

عنوان: **بسترهای مداخله نظامی آمریکا^۱**

نویسنده: **هنری کسینجر**

منبع: **Washington Post^۲**

تحولات سراسری در جهان عرب یادآور تناقضی است که به روزهای نخستین تاریخ آمریکا بازمی‌گردد: آیا قدرت نظامی آمریکا باید در راه ایدئالیسم هزینه شود یا منافع ملی کشور؟ و یا هر دو؟ ما پس از خدمت به چهار رئیس‌جمهور در دوران بحران‌های مختلف بین‌المللی انتخاب بین ایدئالیسم و واقع‌گرایی را نادرست می‌دانیم. همان‌گونه که ایدئال‌ها باید در شرایط عینی به کار گرفته شوند واقع‌گرایی نیز باید در بستری باشد تا ارزش‌های ملی معنی پیدا کند. جدایی بین آنها مانند خانه‌ای بر آب است! ما نیز مانند اغلب آمریکایی‌ها معتقدیم که آمریکا به لحاظ سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک باید همواره از حقوق بشر و دموکراسی همانند روزگار شوروی سابق در جنگ سرد حمایت کنند. ارزش‌های ما متضمن ریشه‌کنی دردهای بشری است، اما اصولاً زمانی باید در این راه از ابزار نظامی استفاده کند که منافع ملی ما در خطر باشد. لیبی از این امر مستثناست. درحالی که منافع ملی آمریکا در این کشور در مخاطره نیست، مداخله محدود نظامی تنها با هدف بشردوستانه موجه است. نیروهای قذافی مردم زیادی را کشته و نزدیک به تصرف بنغازی بودند. با این وصف نیروهای نظامی وی در ضعف بودند و او در داخل و خارج از کشور محبوبیت و دوستانی نداشت، لذا هم شورای

1. Henry A. Kissinger and James A. Baker, "Grounds for U.S. Military Intervention", Washington Post, 7 April, 2011.

۲. از نشریات پرتیراژ و معتبر آمریکایی است.



امنیت و هم جامعه عرب تقاضای اقدام کردند. با این حال فقط انگیزه‌های ایدئالی نباید محرک استفاده از قوای نظامی در سیاست خارجی باشد. ما نمی‌توانیم پلیس دنیا باشیم. نمی‌توان از قوای نظامی برای برخورد با هرگونه چالش بشردوستانه بهره گرفت. نقطه توقف ما کجا باید باشد؟ سوریه، یمن، الجزایر یا ایران؟ کشورهای متحد ما که با ما ارزش‌های یکسان ندارند مانند بحرین، مراکش و عربستان چگونه؟ درخصوص نقض حقوق بشر در کشورهایمانند ساحل عاج چگونه؟ با بالا گرفتن تحولات در آفریقا و خاورمیانه لازم است تا به هر کشور در جای خود نگاه کنیم. در این زمینه توصیه‌هایی به شرح ذیل ارائه می‌شود:

نخست هنگام استفاده از زور باید اهداف ما روشن و مشخص باشد. حفاظت از غیرنظامیان جزء ارزش‌های ماست اما کنترل این هدف ذاتاً مشکل است. مداخله بشردوستانه ناشی از لزوم حمایت از مردم در برابر دولت‌های آنها یا هنگام سقوط دولت هاست. این امر برای ملاحظات استراتژیک سیاست خارجی مانند تغییر حکومت یا کشورسازی انگیزه بخش است، ولی اگر بخواهیم هدف تغییر رژیم از راه مداخله نظامی باشد باید ابزار لازم آن را به کار گیریم. در غیر این صورت بیم سردرگمی میان متحدین، دشمنان و مردم آمریکا و نیز عقیم شدن عملیات را دارد. شکست در اهداف مزبور ممکن است تبدیل به شکست استراتژیک شود.

دوم باید شرایط هر کشور را براساس ویژگی‌های خودش بررسی کرد و میان فرهنگ و تاریخ آن کشور و منافع استراتژیک و اقتصادی خودمان ارتباط ایجاد کرد. این امر به ما اجازه می‌دهد تا انگیزه‌های اقدامات مختلف مردمی را تحلیل و پاسخ مناسب به آنها تهیه شود.

سوم باید دقیقاً بدانیم از چه چیزی و چه کسی حمایت می‌کنیم. در لیبی ما جانب یک جنگ داخلی را گرفتیم اما این برای مخالفت با یک مستبد کافی نیست. باید تضمینی به وجود آورد تا روند تغییر حکام، تغییر بزرگی ایجاد نکند، لذا مفهوم‌سازی از نظم پس از تغییر رژیم از اهمیت برخوردار است. بدترین چیزی که منطقه به آن نیاز دارد مجموعه‌ای از دولت‌های ورشکسته است.

چهارم باید از حمایت مردم آمریکا که اغلب از مجرای کنگره می‌باشد نیز برخوردار شویم. اجرای سیاست‌ها بدون این حمایت در کوتاه‌مدت مشکل و در بلندمدت ناپایدار است. تجارب جنگ‌های کره، ویتنام و جنگ دوم عراق نشان داد که بن‌بست طولانی‌مدت از حمایت مردمی می‌کاهد.

پنجم اینکه باید منتظر عواقب ناخواسته بود. باید دید که چگونه می‌توان از نیروهای طرفدار قذافی در برابر خصومت شورشیان حمایت کرد. اقدامات ما در لیبی ممکن است ایران را در سرعت بخشیدن به برنامه هسته‌ای نظامی خود وسوسه کند به خصوص آنکه ایرانی‌ها قذافی را عامل لو رفتن برنامه هسته‌ای خود به بهای نزدیکی با غرب می‌دانند. دولت‌های یاغی باید کماکان نسبت به عزم ما در مخالفت با اشاعه هسته‌ای مطمئن باشند.

ششم و مهمتر از همه اینکه آمریکا باید درک متمایز و منسجمی از منافع ملی حیاتی خود ایجاد کند. اتفاقات در منطقه، علت و راه‌حل‌های مختلف دارند. تحولات کشورهای عربی فرصتی بزرگ برای مردم منطقه و جهان است. در طول زمان، تقویت دموکراسی جایگزینی برای افراط‌گرایی خواهد بود. ما نیازمند آن هستیم تا درکی واقعی از نحوه و زمان آنچه که دست یافتنی است بیابیم. ما دارای منافع



بلندمدت از ثبات خلیج فارس و دریای عرب که منبع بیشتر انرژی جهان است، هستیم. همچنین دور نگهداشتن کشورهای منطقه از افراط‌گرایی اسلامی نیز برای ما دارای منافع مشابهی است. ایالات متحده باید سیاستی را دنبال کند که متضمن عزم ما در حفاظت از منافع ملی و گسترش ارزش‌های آمریکایی مانند دموکراسی، آزادی و حقوق بشر باشد. این سیاست ایدئالیسم عملگرا است که بهترین راه برای رویارویی با چالش‌ها و فرصت ایجاد شده در تغییرات و تحولات در جهان اسلام است.

عنوان: گزارش پیشرفت برنامه اتمی ایران^۱

منبع: WallStreet Journal^۲

حدود ۶ ماه است که توجه و تمرکز جهان بر روی ناآرامی‌های تاریخی و گسترده جهان عرب، از تونس گرفته تا بحرین متمرکز شده است، اما داستان اصلی خاورمیانه هنوز رو به جلو حرکت می‌کند و گزارش اخیر آژانس انرژی اتمی حاکی است که ایران توانسته برنامه اتمی خود را به فعالیت‌های نظامی نزدیک‌تر کند. البته این قدم‌های اخیر را نه با سکوت که با سر و صدا دنبال می‌کند. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارش تازه‌ای از برنامه اتمی ایران را منتشر و در آن اعلام کرده به‌رغم حمله ویروس استاکس‌نت که به‌نظر می‌رسید فعالیت‌های اتمی تهران را با مشکل روبرو کرده، اما ایران در ۶ ماه گذشته ۹۷۰ کیلوگرم اورانیم غنی کرده و ذخیره اورانیم کمتر غنی شده خود را به ۴ هزار و ۱۰۵ کیلوگرم رسانده است. ایران همچنین هفته پیش اعلام کرد تأسیسات غنی‌سازی نزدیک قم را به فعالیت بیشتر نزدیک می‌کند.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارش خود از فعالیت‌های مشکوک ایران ابراز نگرانی کرده و گفته «ممکن است این فعالیت‌ها با هدف نظامی پیشرفت کند». ضمن اینکه آژانس تأکید کرده که به احتمال زیاد ایران از سال ۲۰۰۴ به بعد، دوباره به فکر فعالیت نظامی اتمی افتاده و آن را دنبال کرده است. گزارش تخمین یا برآورد اطلاعاتی سال ۲۰۰۷ آمریکا گفته بود ایران از سال ۲۰۰۳ دیگر دنبال بمب اتمی نرفته

1. "Iran Nuclear Progress Report", Wall Street Journal, 11 June, 2011.

۲. وال استریت ژورنال از نشریات پرتیراژ آمریکایی است.

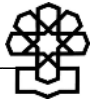


است، اما حالا با توجه به یافته‌ها و سؤالات آژانس، بار دیگر قابلیت توان نظامی هسته‌ای ایران مورد شک و ظن جدی قرار گرفته است. نویسندگان آن گزارش در سال ۲۰۰۳ در تخمین یا برآورد اطلاعاتی آمریکا، حالا باید به این پرسش‌هایی که مطرح می‌شود پاسخ بدهند. طبق نتیجه‌گیری آژانس، «ایران در حال فعالیت روی فلز اورانیم برای ساخت قطعات اتمی است و آزمایش‌هایی برای انفجار و یا نوع چاشنی انفجاری انجام داده و بر روی آن تحقیق کرده است. ضمن اینکه یافته‌هایی در مورد انطباق این برنامه با برنامه موشکی جمهوری اسلامی هم مطرح شده است».

در گزارشی که گرگوری اس. جونز در مرکز آموزش‌های سیاست مقابله با گسترش سلاح‌های کشتارجمعی نوشته، ایران در حال حاضر و با در دست داشتن مقدار کافی اورانیم ۲۰ درصد غنی شده، هر زمان بخواهد می‌تواند به اورانیم بیشتر غنی شده و ساخت بمب اتمی دست بزند و شاید فقط دو ماه وقت لازم داشته باشد. تحقیق یاد شده همچنین از سکوت آمریکا در قبال حرکت اتمی ایران و سیاست‌های انفعالی آمریکا، انتقاد کرده بود، اما اگر واقع‌گرا باشیم، شاید بتوانیم زودتر از موقع دست به کار شده و چاره‌ای برای مشکل اتمی ایران پیدا کنیم.

نویسنده معتقد است که دولت اواما پس از تلف کردن زمان بر سر گفتگو با ایران، هم‌اکنون به دنبال پیگیری جدی‌تر پرونده هسته‌ای ایران است. ضمن اینکه به نظر می‌رسد دولت آمریکا نسبت به تلاش ایران برای تغییر دادن ماهیت ناآرامی‌های کشورهای عربی هوشمندانه عمل می‌کند. ایران تلاش دارد با حمایت از بشار اسد و تندروهای افراطی در لبنان و غزه، روند را به سمت دیگری ببرد، اما تا حالا نه تحریم‌های آمریکا و نه تحریم‌های شورای امنیت نتوانسته جلوی بلندپروازی‌های اتمی

ایران را بگیرد. اگر باراک اواما به‌طور جدی می‌گوید دست یافتن ایران به بمب اتمی «غیرقابل قبول» است، باید دست به کار شود و دستش را روی نقطه حساس ایران بگذارد تا حاکمان این کشور این قدر نگویند آمریکا دیگر ضعیف شده یا دیگر کاری از دست آمریکا بر نمی‌آید.



عنوان: معنای مرگ بن‌لادن برای ایران چیست؟^۱

نویسنده: سوزان ملونی

منبع: Brookings^۲

مرگ اسامه بن‌لادن مشخص می‌کند که گذشت ده سال از یک ماجرا چه تغییراتی حتی در جمهوری اسلامی که به‌نظر تغییرناپذیر می‌رسد می‌تواند ایجاد کند. ده سال قبل دولت و مردم ایران با خشم و غضب نسبت به ماجرای ۱۱ سپتامبر با آمریکا همدردی کردند. تعدادی از دولتمردان ایرانی که اکثر آنها را اصلاح‌طلبان تشکیل می‌دادند، به مردم آمریکا از صمیم قلب تسلیت گفتند. حتی برای مدت کوتاهی عناصر تندرو در هیئت حاکمه، القاعده و رئیس آن بن‌لادن را جهت به‌کارگیری شیوه‌های تروریستی علیه آمریکاییان تقبیح کردند. در هفته‌ها و ماه‌های بعد نیز تهران به آمریکا همکاری‌های تدارکاتی مهمی در جنگ با طالبان ارائه کرده و به واشنگتن از نزدیک در روی کار آوردن یک دولت جدید افغان مساعدت کرد. برای مدت کوتاهی، چشم‌انداز خاتمه جدایی تلخ بین دو کشور و بازگشت ایران به جمع کشورهای جهان برای اولین بار امکانپذیر می‌نمود.

اما این روحیه مسالمت‌آمیز بین تهران و واشنگتن که پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ایجاد شده بود، به سرعت از بین رفت. همکاری‌ها متوقف شد، عدم اعتماد بین طرفین شدت گرفت و اوضاع سیاسی داخلی ایران با سیر قهقرایی، سوءظن و سرکوب روبرو شد. هم‌اکنون ده سال از آن زمان گذشته است و تهران با خبر مرگ بن‌لادن

1. Suzanne Maloney, "What Bin Laden's Death Means for Iran", Brookings, 29 June, 2011.

۲. مؤسسه بروکینگز از مهمترین مؤسسات پژوهش در حوزه سیاست بین‌الملل است.

توسط نیروهای آمریکایی، با سوءظن برخورد کرد. وزارت خارجه ایران در این مورد اعلام کرد که مرگ بن‌لادن لزوم حضور نیروهای آمریکا را در خاورمیانه بزرگ از میان برده است. همچنین از این خبر به‌عنوان یک فرصت استفاده کرد که از واشنگتن بخواهد تا کلیه قوای نظامی خود را از منطقه خارج کند. ضرورتی نداشت نمایشنامه غم‌انگیز روابط ایران و آمریکا به این شکل درآید. هر دو کشور سزاوار سرزنش هستند که نتوانستند همکاری‌های متقابل حول مسائل افغانستان را که پس از ۱۱ سپتامبر آغاز شده بود، ادامه دهند. کابینه بوش اعتقاد راسخی داشت که جمهوری اسلامی سرنگون می‌شود، درحالی که ایران هم به شدت اسیر سرسختی خود شده که فرصتی برای انجام تحول واقعی در روابطشان با شیطان بزرگ نیافت. با اوج‌گیری تنش‌های دوجانبه، اصلاحات کند و محسوس سیاست داخلی ایران در نتیجه توهم و ترس رژیم متوقف شد. از طرف دیگر وجود سوءظن‌های شدید موجب شد که ایران از خط اعتدال خارج شده و نتواند مقدمات لازم برای دستیابی به اصول دمکراتیک‌تری را فراهم سازد.

علیرغم شکست در گذشته و فضای سیاسی حاکم بر تهران، مرگ بن‌لادن باید موجب می‌شد که پایتخت‌های دو کشور در سیاست‌های خود تجدیدنظر فوری به عمل آورده و امکان احیای مذاکرات مستقیم بر سر افغانستان را مورد نظر قرار دهند، لکن تا به امروز واشنگتن از ترس آنکه نزدیکی به ایران امکان دارد تلاش‌های سیاسی‌اش را در مورد جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ایران خدشه‌دار کند، از این امر ظفره رفته است.

بدیهی است این نقطه‌نظر از این جهت کوتاه‌بینانه است که پیروزی واشنگتن در مبارزاتش علیه القاعده، باید موجب تقویت مواضع دولت در مقابل ایران سرسخت



شود. این زمان مناسبی است که آمریکا به منظور رسیدن به سرانجامی باثبات‌تر در افغانستان، امکان استفاده از گزینه‌های فرصت‌طلبی‌ها و بقای ایران را آزمون کند و به نتایج باثبات‌تری در افغانستان دست یابد و همچنین احتمالاً دورنمای هرگونه دیپلماسی مستقیم و سازنده بین آمریکا و ایران را احیا کند.

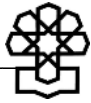
عنوان: تلاش برای قطع اینترنت در ایران^۱
نویسندگان: کریستوفر رادن، فرناز فصیحی
منبع: Huffingtonpost^۲

ایران به سمت خصمانه‌ترین و جدی‌ترین حرکت برای سانسور گام برمی‌دارد: تشکیل چیزی به نام اینترنت ملی که در حقیقت باعث قطع ایران از فضای مجازی جهان می‌شود. به عقیده کارشناسان امور ایران، دستگاه رهبری ایران فکر می‌کند با این کار، جهان اینترنت را به تسخیر و کنترل خود درمی‌آورد. ایران که در فهرست بدترین کشورهای جهان در زمینه سانسور اینترنت بوده و جایگاه بالایی در این مورد دارد می‌گوید این کار صرفه بهتری در حفظ اصول اسلامی خواهد داشت. این اقدامات به نظر در ادامه اقداماتی صورت می‌گیرد که از نظر نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان خطری جدی به حساب می‌آیند. در واقع هجوم نظرات غربی در قالب آنلاین و تأثیر آمریکا مهمترین خطراتی هستند که برای مقابله با آن، اقداماتی مانند ایجاد اینترنت ملی صورت می‌گیرد. رهبری جمهوری اسلامی و دیگر مقامات نظام، وقایع اخیر را «جنگ نرم» نامیده‌اند.

البته موانع زیادی وجود دارد. حتی برای کشور تحریم‌زده‌ای چون ایران، اینترنت هنوز ابزار مهمی برای تجارت است. مانع‌تراشی اینترنتی می‌تواند کاهش سرمایه‌گذاری روسیه، چین و دیگر شرکای تجاری ایران را در پی داشته باشد. ضمن

1. Christopher Rhoads and Farnaz Fassihi, "Iran Vows to Unplug Internet", Huffingtonpost, 28 may, 2011.

۲. هافینگتون‌پست از نشریات مهم و معتبر آمریکایی است.



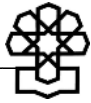
اینکه مسئله دانش و توانایی برای تشکیل معادل‌های مناسب و حرفه‌ای برای مثال مانند گوگل، مطرح می‌شود.

برمه اکتبر گذشته اعلام کرد تمامی مجاری اینترنتی را از طریق یک شرکت جدید دولتی باز خواهد کرد. این شرکت گفته سیستمی مانند وای میل به جای جی میل ارائه می‌دهد. کوبا هم دو خط اینترنت دارد که یکی از آنها فقط برای نهادهای دولتی و توریستی است و دیگری کنترل شده و محدود برای استفاده مردم است. کره شمالی هم به آهستگی و کندی به همین سمت حرکت می‌کند هرچند که مردم این کشور هم توانایی دستیابی به اطلاعات را ندارند. اما در مورد ایران هرچند آمارها متفاوت است اما در هر یکصد ایرانی، یازده تن به اینترنت دسترسی دارد که نسبت به دیگر کشورهای منطقه، آمار بالایی است. به همین علت در جریان اعتراض‌های مردمی به نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران، حتی می‌شد حوادث را به صورت زنده در اینترنت دید و توئیتر و فیس‌بوک به شدت در این حوزه کارآمد و فعال بودند. ناظران مسائل ایران می‌گویند کشف ویروس پیچیده استاکس‌نت که به احتمال زیاد برای آسیب زدن به برنامه اتمی جمهوری اسلامی طراحی شده بود، به احتمال زیاد ایرانی‌ها را به فکر قطع اینترنت انداخته است. بعضی هم می‌گویند استاکس‌نت توسط آمریکا و اسرائیل ساخته و ارسال شده است. برخی می‌گویند گفته‌های هیلاری کلینتون وزیر خارجه آمریکا مبنی بر تقویت کمک‌های اینترنتی به مردم برای دور شدن از سانسور، در تلاش‌های ایران تأثیر داشته است.

ایران تا سال ۲۰۰۷ از همان فناوری غرب برای بستن اینترنت و یا محدود کردن آن استفاده می‌کرد ولی به تدریج دیگر فناوری‌ها را هم مورد استفاده قرار داد.

برنامه‌هایی که برای مقابله با ویروس و نرم‌افزارهای خطرناک طراحی می‌شود، به تدریج به سمت بسته شدن وبسایت‌ها رفت و ایرانی‌ها به شکل غیرقانونی از روی برنامه‌های آمریکایی نسخه‌برداری کرده و برنامه فیلترینگ خود را طراحی کرده و به اجرا گذاشتند.

ایده اصلی اینترنت ملی در سال ۲۰۰۵ و پس از به قدرت رسیدن محمود احمدی‌نژاد مطرح شد. ایرانی‌ها این طرح را در مقیاس کوچک برای حدود ۳ هزار ایرانی در مدارس و ۴۰۰ دفتر محلی وزارت آموزش و پرورش به اجرا گذاشتند. دولت جمهوری اسلامی در سال ۲۰۰۸ یک میلیارد دلار برای زیرساخت‌های این طرح اختصاص داد. سپاه تمامی خدمات اینترنت در ایران را در اختیار دارد. پس از آن سپاه یک ارتش سایبری تشکیل داد که گفته شده از ۲۵۰ هزار هکر تشکیل شده است. این گروه به تازگی اعلام کرد که حملات موفقی به سایت صدای آمریکا داشته است. ضمن اینکه این گروه در حال طراحی موتور جستجویی به نام یا حق است که قرار است جانشین یاهو و یا گوگل شود.



عنوان: اینترنت در چمدان: طرح آمریکا برای دور زدن سانسور اینترنت^۱

نویسندگان: جیمز گلنز، جان مارکوف

منبع: NYtimes^۲

دولت آمریکا می‌کوشد که اقدام بین‌المللی برای ایجاد شبکه‌های اینترنت و تلفن‌های موبایل «جایگزین» را در کشورهای مخالف خود عملیاتی کند. هدف از این اقدامات فراهم کردن امکانات برای مردم و مخالفان چنین رژیم‌هایی است که به خاطر ماهیت حکومت‌ها از حد مطلوبی از آزادی ارتباطات برخوردار نیستند. یکی از راه‌هایی که حکومت آمریکا در پیش گرفته است ایجاد شبکه‌های تلفن‌های موبایل مستقل در خاک کشورهای دیگر و یا سرمایه‌گذاری در تولید ابزارهایی است که می‌تواند شبکه‌های اینترنتی مستقل و جداگانه‌ای را در کشورهای دیگر برقرار کنند و به صورت پنهانی به این کشورها منتقل می‌شود.

این گزارش که براساس مصاحبه‌های مقامات دولتی نوشته شده، اسناد مربوط به طراحی این شبکه‌ها و پیام‌های دیپلماتیک محرمانه‌ای که به دست این روزنامه افتاده و جزئیاتی را در مورد ابعاد، پیچیدگی و کارآمدی و هزینه‌های مربوط به این طرح‌ها را برمی‌شمارد. برخی از فناوری‌ها توسط متخصصان در مراکز دولت توسعه یافته و برخی دیگر محصول گردآوری ابزارها و روش کار هک‌هایی است که در حال حاضر تحت عنوان آزادی فناوری ارتباطی در سطح اینترنت جریان دارد. یکی از

1. James Glanz and John Markoff, "U.S. Underwrites Internet Detour Around Censors", NYtimes, 12 June, 2011.

۲. از نشریات پرتیراژ آمریکایی است.

مهمترین و گسترده‌ترین موارد از این طرح‌ها ایجاد یک شبکه ارتباطی برای تلفن‌های موبایل در خاک افغانستان است که بودجه ۵۰ میلیون دلاری آن از سوی وزارت دفاع و وزارت خارجه آمریکا تأمین شده است. آنتن‌های این شبکه در پایگاه‌های نظامی و نقاط امن نصب شده تا از حملات شورشیان در امان باشد.

به دنبال حوادث ماه‌های اخیر در کشورهای عربی و قطع شبکه اینترنت توسط تعداد بیشتری از رژیم‌های منطقه، ضرورت ابزارهایی برای دور زدن سانسور دولتی بیشتر شده است. بخشی از انگیزه دولت باراک اوباما برای پیشبرد این طرح‌ها دفاع آمریکا از آزادی بیان است. به عنوان مثال دولت آمریکا از توسعه و ساخت نرم‌افزارهایی که می‌تواند هویت کاربران اینترنت را پنهان کند حمایت کرده است. روزنامه «نیویورک تایمز» سپس یادآوری می‌کند که طرح‌های جدید فراتر از کمک به مقابله با سانسور در شبکه‌های موجود است. وزارت خارجه آمریکا و شخص هیلاری کلینتون از این اقدامات به شکل فعالی حمایت می‌کنند. کلینتون در گفتگو با «نیویورک تایمز» تأکید می‌کند که فرصت تاریخی بزرگی فراهم شده تا با استفاده از این ابزارها مردم بتوانند با یکدیگر، با حکومت‌های خود و با جهان خارج در ارتباط باشند و دولت آمریکا باید از یک چنین تغییری حمایت کند.

اما کارشناسان و متخصصانی که بر روی این طرح‌ها کار می‌کنند هشدار می‌دهند که دولت‌های هدف ممکن است بتوانند به همین شبکه‌های «جایگزین» و یا مستقل نیز نفوذ کرده و از طریق کنترل ارتباطات مخالفان خود را شناسایی و دستگیر کرده و یا به هنگام نقل و انتقال این ابزارهای ارتباطی جدید به داخل کشور آنها را در مرزها بازداشت کنند. البته گروه دیگری معتقدند که در مجموع میزان ریسک این روش‌ها ناچیز



است و در مقایسه با تأثیر آن شاید بتوان این حد از مخاطرات را پذیرفت.

بخش دیگری از این برنامه، مربوط به شبکه اینترنت نامرئی می‌شود. در اینجا روزنامه «نیویورک تایمز» به تشریح نحوه توسعه و ساخت ابزاری می‌پردازد که به «اینترنت در چمدان» مشهور شده است. گروهی از کارشناسان اینترنت و جوانانی که «خوره» این کار هستند زیر نظر مقامات وزارت خارجه آمریکا در حال ساخت و توسعه ابزاری هستند که می‌تواند هر وسیله ارتباطی معمولی مثل یک دستگاه تلفن موبایل و یا یک کامپیوتر شخصی را به مرکز یا موتور یک شبکه مستقل و نامرئی اینترنت بدل کند. در این چمدان یک آنتن بی‌سیم که می‌تواند میدان ارتباطی را گسترش دهد، یک لپ‌تاپ برای مدیریت شبکه و حافظه و سی‌دی‌هایی جاسازی می‌شوند که این برنامه و امکان پیاده کردن نرم‌افزار مربوطه را برای مشترکان به این شبکه نامرئی فراهم می‌سازد. علاوه بر طرح دولت آمریکا بیش از ده طرح غیردولتی نیز هم‌زمان مشغول فعالیت برای توسعه یک چنین شبکه‌های ارتباطی در گوشه و کنار دنیا هستند. یک نمونه آن طرح مرکز تکنولوژی ماساچوست است که هم‌اکنون مشغول ایجاد یک شبکه اینترنت مستقل در منطقه جلال‌آباد افغانستان است.

نمونه دیگر آن تلاش گروهی از ایرانیان و آمریکایی‌ها برای راه‌اندازی وب‌سایتی است که کاربران در ایران بتوانند از طریق دسترسی به آن نرم‌افزارهای جدید مقابله با سانسور را پیاده کنند. به گفته یکی از بنیانگذاران این مرکز بیش از نیمی از افرادی که در ایران به این وب‌سایت مراجعه می‌کنند با استفاده از بلوتوث فایل‌ها را برای یکدیگر ارسال می‌کنند. روش‌هایی شبیه به این، ابتکارهای خود مردم برای استفاده از ابزارهایی است که در خارج ساخته می‌شوند. وزارت خارجه آمریکا از بسیاری از این

طرح‌ها حمایت مالی می‌کند. به نوشته «نیویورک تایمز»، ارزیابی‌های موجود نشان می‌دهد که تا پایان سال میلادی جاری دولت آمریکا رقمی نزدیک به ۷۰ میلیون دلار را صرف این طرح‌ها خواهد کرد.

در بخش بعدی این مقاله، گزارشگران «نیویورک تایمز» به طرح آمریکا برای تکمیل یک شبکه ارتباط تلفن‌های موبایل در جنوب افغانستان اشاره می‌کنند. این شبکه که توسط ارتش آمریکا احداث شده از امنیت بیشتری برخوردار است و نیروهای طالبان قادر به تخریب آنتن‌های آن نخواهند بود. دلیل احداث این شبکه موازی این است که نیروهای طالبان به روش‌های گوناگون همواره می‌توانستند شبکه معمول تلفن‌های موبایل را مختل کنند. رقم دقیق هزینه‌های مربوط به اجرای این طرح مشخص نیست ولی اظهارنظرهای افراد گوناگون حاکی از آن است که رقمی بین ۵۰ تا ۲۵۰ میلیون دلار به این طرح اختصاص داده شده است. در پایان این گزارش، نیویورک تایمز با ذکر نمونه‌ای در مورد کره شمالی توضیح می‌دهند که چگونه افرادی که فرار ناراضیان از کره شمالی را سازماندهی می‌کنند با استفاده از شبکه تلفن موبایل کشور چین، ارتباطات خود را برقرار می‌کنند و یا در مورد لیبی یکی از افراد وابسته به نیروهای انقلابی می‌گوید که به دلیل کمبود و ضعف شبکه اینترنت در مناطق تحت کنترل شورشیان آنها مجبور هستند از روش‌های ابتکاری و جایگزین مثل وصل شدن به شبکه اینترنت از طریق تلفن‌های موبایل استفاده می‌کنند.



عنوان: شکست احمدی‌نژاد، ضرر آمریکا^۱

نویسندگان: سوزان ملونی، ری تکیه

منبع: Council on Foreign Relation^۲

نویسندگان مقاله معتقدند احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور ایران توسط جریان اصولگرایی طرد شده و این برای مقامات آمریکایی که به دنبال توقف برنامه اتمی ایران هستند، خبری بد است. از دیدگاه نویسندگان این مقاله، رئیس‌جمهور ایران، یکی از مدافعان سرسخت مذاکرات مستقیم اتمی با واشنگتن است و با طرد شدن آقای احمدی‌نژاد از جرگه افراد مطلوب و مورد تأیید رهبران ایران، چشم‌انداز یک توافق اتمی میان تهران و واشنگتن نیز رو به محو شدن می‌گذارد. نویسندگان در ادامه تأکید می‌کنند که منافع آقای احمدی‌نژاد از گفتگو با واشنگتن ناشی از درک تمدن آمریکایی و یا تمایل به آشتی نبوده، بلکه وی مذاکرات را ابزاری برای تقویت موضع خود در داخل و خارج می‌داند که در جریان آن بتواند برای نظر خود در مورد یک ایران قوی اتمی نیز حمایت کسب کند. بنابراین در واقع، برای یک سیاستمدار دارای تصویری اینچینی، ایده مذاکراتی در سطح بالا با واشنگتن، می‌توانست فراهم‌کننده صحنه‌ای جهانی در یک مبارزه جدید ضدآمریکایی در نظم جهانی باشد.

سیاستگذاران در آمریکا و اروپا که برای محدود ساختن برنامه اتمی ایران بیشتر به تحریم‌های اقتصادی متکی بوده و ضمناً امیدوار هستند که درگیری‌های

1. Suzanne Maloney and Ray Takeyh, "Ahmadinejad's Fall, America's Loss", The Council on Foreign Relations, 15 June, 2011.

۲. شورای روابط خارجی آمریکا مهمترین نهاد مؤثر در سیاستگذاری خارجی آمریکاست.

جناحی ممکن است بتواند در غایت به سقوط رژیم بیانجامد، اکنون با معما و مسئله‌ای غامض روبرو شده‌اند. با این حال تلاطم سیاسی جاری در منطقه کماکان رژیم ایران را آسیب‌پذیر می‌کند.

در شرایطی که حکومت ایران دچار چنددستگی است، اقتصاد ایران به شدت تحت فشار است و اکثریت مردم در جستجوی دموکراسی، مشروعیت حکومت را نمی‌پذیرند، مسلماً سیاست‌های آمریکا در قبال ایران می‌تواند روی تعادل قدرت بین جناح‌های صاحب نفوذ در سیاست ایران مؤثر واقع شده و فرصتی را برای تغییر اولویت‌های سیاسی ایران فراهم کند. سوزان ملونی و ری تکیه در پایان تحلیل خود خاطرنشان می‌کنند که آمریکا باید همواره این اصل را در نظر بگیرد که حکومت ایران اصلاً قابل پیش‌بینی نیست. برای پیشبرد سیاست خود و موفقیت آمریکا نباید به تصحیح رفتار حکومت ایران و یا تشویق کردن آن به مذاکره دلخوش کرد.

سیاست آمریکا در قبال ایران باید تشدید فشارهای اقتصادی و تحریم مالی و فنی برنامه‌های هسته‌ای آن کشور، تقویت نیروهای مخالف، تأثیرگذاری روی رقابت‌های درونی صاحب قدرت و محافظت از همسایگان ایران در برابر تهدیدهای آن کشور باشد. شکی نیست که آمریکا و متحدان آن می‌توانند ایران را سر جای خود بنشانند.



عنوان: تلکس‌های وزارت خارجه نشان‌دهنده حرص و ولع آمریکا درباره هر چیزی است که درباره ایران است^۱
نویسنده: وارن استرابل
منبع: Huffington Post

اسناد و مدارک وزارت خارجه آمریکا که ویکی لیکس آنها را منتشر کرده است، بیانگر آن است که آمریکا به هر چیزی درباره ایران علاقمند است. براساس اسناد و مدارک وزارت خارجه آمریکا، مقامات ارشد امنیتی ایران در جلسه‌ای در نوامبر سال ۲۰۰۹ ظاهراً در مورد تصرف سفارت عربستان در تهران توسط دانشجویان این کشور همان‌طور که سه دهه پیش سفارت آمریکا را تصرف کردند گفتگو کردند، اما یکی از سیاستمداران قدرتمند ایران با افزایش تنش بین ایران و عربستان، بر ضرورت حفظ جانب احتیاط هشدار داد. وی با اشاره به بحران گروگان‌گیری آمریکا در سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۱ به همکاران خود گفت یک تجربه برای اشغال یک سفارت خارجی کافی است. این خبر دست دوم منسوب به یک دیپلمات آمریکایی است که از یک ایرانی ناشناس در باکو پایتخت جمهوری آذربایجان به دست آورده است و یکی از صدها خبر درباره ایران در اسناد طبقه‌بندی شده آمریکاست که به دست ویکی‌لیکس افتاده و اخیراً به خبرگزاری مک کلاچی آمریکا مخابره شده است.

روی هم رفته این اسناد، ولع دولت آمریکا را برای کسب هرگونه اطلاعاتی درباره ایران نشان می‌دهد. مهم نیست که این اطلاعات ناقص یا متناقص باشند و مسلماً

1. Warren P. Strobel, State Department Cables Reveal U.S. Thirst for all Things Iranian, Huffington Post, 19 April, 2011.

آمریکا از بسیاری از اتفاقات در کشوری که در آن به مدت یک نسل حضور رسمی ندارد ناآگاه است. بسیاری از این اسناد و مدارک که توسط یک گروه ویژه از دیپلمات‌های آمریکایی معروف به ناظران ایران مخابره می‌شوند دارای طبقه‌بندی محرمانه هستند. همچنین حدود یک‌سوم آنها سری یا به‌کلی سری هستند یعنی فقط باید توسط دیپلمات‌های آمریکایی خوانده شوند.

این اطلاعات براساس تلفن‌هایی که به منابع داخل ایران یا ایمیل‌هایی که از این منابع دریافت می‌شوند مصاحبه‌ها با اعضای گروه‌های راک ایرانی در کشورهای همسایه، خبرنگاران خارجی که اخیراً در ایران بوده‌اند و گفتگو با تجار ایران دانشگاهیان و مقامات سابق این کشور که به خارج از کشور سفر کرده‌اند به دست آمده است. حتی یک سند نیز در مورد گفتگوی یک ناظر ایران با رانندگان کامیونی است که به ترکمنستان می‌روند. میزان اهمیت کار این ناظران برای ارزیابی‌های اطلاعاتی جاسوسی آمریکا از آنچه در ایران روی می‌دهد مشخص نیست. دولت آمریکا از اظهارنظر در مورد این اسناد خودداری کرده است.

وزارت امور خارجه آمریکا هرگونه افشاسازی غیرقانونی این اطلاعات را محکوم کرده است و آن را تهدیدی برای امنیت ملی توصیف کرده است. اما کار ناظران ایران یکی از واقعیت‌هایی که تصمیم‌گیرندگان آمریکایی با آن مواجه هستند را برجسته می‌کند و آن این است که بیشتر آنچه آمریکا درباره ایران می‌داند به علت نداشتن یک سفارت و کنسولگری در این کشور، دست دوم یا حتی سوم است. این مسئله آن هم در جهانی که چنین اطلاعاتی دولت بوش را به گمراهی کشاند و باعث شد به اشتباه ادعا کند که صدام حسین هنوز دارای برنامه‌های فعال در مورد



سلاح‌های کشتار جمعی در عراق است برای عده‌ای نگران‌کننده است، قابل تأمل است. البته ناظران ایران تنها منبع اطلاعات برای دولت آمریکا نیستند. این اسناد نشان می‌دهد که آمریکا اغلب برای دانستن آنچه در ایران اتفاق می‌افتاد مشکل دارد.

عنوان: زمان خروج نام مخالفان دولت ایران از لیست سیاه فرا رسیده است^۱
نویسنده: آنتونیو استانگو
منبع: Washington Times^۲

نویسنده در این گزارش با اشاره به تحولات اخیر در خاورمیانه به سیاست آمریکا در قبال جریان اپوزیسیون ایران پرداخته و بر ضرورت خروج نام منافقین از لیست گروه‌های تروریستی این کشور تأکید کرده است. در ابتدای این گزارش، نویسنده به خیزش‌های اخیر در منطقه اشاره کرده و معتقد است که انقلاب‌های خاورمیانه به سایر کشورها و از جمله ایران تسری پیدا خواهد کرد و تحقق آنان به توانایی‌های حقیقی و نامحدود مخالفانی بستگی دارد که به مردم‌سالاری باور دارند اما به دلیل این باورها و توانایی‌ها با شدیدترین سرکوب از سوی حکومت‌هایشان روبرو هستند. نویسنده تأکید می‌کند که اگرچه در این شرایط آمریکا باید به حمایت از این جریان‌ها بپردازد، اما با این همه در طی ۱۴ سال گذشته ایالات متحده شانه به شانه حکومت ایران ایستاده و با محدود کردن اصلی‌ترین مخالف حکومت ایران یعنی مجاهدین خلق، از طریق قرار دادن آن در لیست گروه‌های تروریستی، مخالفان را از توانایی‌های بالقوه خود محروم کرده است..

در ادامه گزارش، نویسنده با انکار شواهد مسلم فعالیت‌های تروریستی منافقین ادعا می‌کند که مدارک موجود برای در فهرست قرار گرفتن سازمان مجاهدین در میان

1. Antonio Stango , "It's Time to Stop Blacklisting the Opposition", The Washington Times, 11 April, 2011.

۲. واشنگتن تایمز از نشریات معتبر آمریکایی.



سایر سازمان‌های تروریستی کافی نبوده و این فقدان مدرک، پس از سال‌ها و به‌ویژه پس از تسلط آمریکا بر عراق اکنون بیشتر به چشم می‌آید چنانچه دادگاه تجدیدنظر ایالت کلمبیا به شدت بر حذف سازمان مجاهدین از فهرست تروریستی تأکید کرده است. از دیدگاه نویسنده، برچسب ترور بر مجاهدین خلق، بزرگ‌ترین مانع تغییر در ایران است، زیرا اصلی‌ترین بخش مخالف با نظام ایران را محدود کرده است. این درحالی است که حکومت ایران برای جلوگیری از خروج این سازمان از فهرست گروه‌های تروریستی، به شیوه‌های مختلف و به‌صورت غیرمستقیم از جمله از طریق سازمان‌ها و انجمن‌هایی در خارج از کشور مانند انجمن ملی ایرانیان و آمریکاییان دست به اقداماتی می‌زند تا این سازمان همچنان به‌عنوان یک سازمان تروریستی مطرح شود. این فعالیت‌های تبلیغاتی ایران سبب شده است که از سوی جریان‌های سیاسی و دانشگاهی و همچنین ژورنالیستی به مقامات آمریکا توصیه شود که سازمان مجاهدین خلق را همچنان درون فهرست گروه‌های تروریستی نگهدارد. از نظر این دسته از افراد، عقل حکم می‌کند تعامل با دشمن آشنا بهتر و راحت‌تر از همکاری با جریان‌های تروریستی ناشناس است. استدلال دیگر این گروه برای باقی ماندن نام مجاهدین در لیست گروه‌های تروریستی این است که با حذف نام تروریستی از نام مجاهدین، حکومت ایران بهانه پیدا می‌کند که مخالفان را سرکوب کند.

به اعتقاد نویسنده، از زمان قرار گرفتن نام مجاهدین خلق در لیست گروه‌های تروریستی تاکنون ایران واکنش مناسبی در این زمینه نداشته و همچنان با ادامه فعالیت‌های هسته‌ای و دیگر سیاست‌های تهاجمی، همزمان از مزایای داشتن مخالفانی دست و پا بریده نیز بهره‌مند بوده است.

در ادامه نویسنده ادعا می‌کند که بسیاری از بلندپایه‌ترین مقامات پیشین آمریکا که در خلال سه دهه گذشته در دولت خدمت کرده‌اند با قرار گرفتن نام مجاهدین خلق در لیست سازمان‌های تروریستی آمریکا به شدت مخالف بوده‌اند چنانچه نام رهبران ارتش و از جمله سه تن از رؤسای ستاد مشترک، مشاور پیشین امنیت ملی آمریکا ژنرال جیمز جونز، دادستان کل سابق مایک موکاسی و بسیاری از دیگر مقام‌های ارشد دیپلماتیک و اطلاعات و امنیت در این میان به چشم می‌خورد که تمام آنان از وزیر امور خارجه، هیلاری کلینتون درخواست کرده‌اند که نام مجاهدین را نه فردا یا ماه آینده، که همین امروز از فهرست سازمان‌های تروریستی بیرون بیاورد. حتی بسیاری از آنان خاطرنشان ساخته‌اند که در جریان موارد محرمانه‌ای علیه مجاهدین قرار گرفته‌اند ولی به کوچک‌ترین اثری از نقش و رد پای مجاهدین در موارد هشدار داده شده برنخورده‌اند. براساس این فارغ از جنبه حقوقی، این واقعیت انکارناپذیر است که با در فهرست نهادن نام سازمان مجاهدین خلق، آمریکا توازن قدرت را به نفع نظام ایران - در شرایطی که ایران از تمام تغییرات تاریخی سراسر منطقه در پی سودجویی به نفع اهداف خویش است - سنگین می‌کند.

نویسنده در پایان این گزارش مدعی است که ایرانی - آمریکایی‌ها و ده‌ها عضو کنگره از هر دو جناح به هم پیوسته و به وزیر امور خارجه به سادگی گفته‌اند که مجاهدین خلق را از لیست تروریست‌ها بیرون بیاورید. سازمان مجاهدین خلق تقاضای پول ندارد و جنگ‌افزار نمی‌خواهد و به شدت مخالف درگیری نظامی است و تنها به سادگی و درستی از قانون آمریکا می‌خواهد بی‌عدالتی بزرگی را درباره‌اش تصحیح کند. بنابراین آمریکا به جای دخالت کردن به سود نظام ایران و ایجاد اختلال



در جریان گردش سیاست ایران باید اجازه دهد سیاست ایران روند بازی طبیعی خود را بازیابد. زمان به شتاب سپری می‌شود و پنجره‌های حیاتی و فرصتی یگانه در سیاست خاورمیانه رو به انسداد است.

عنوان: معافیت سوریه از مجازات اتمی^۱
نویسندگان: جیمی فلائی، رابرت زارایت
منبع: Weekly Standard^۲

نویسنده این مقاله به بررسی سیاست آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای سوریه پرداخته و بر ضرورت تشدید فشارها بر بشاراسد رئیس‌جمهور سوریه تأکید کرده است. از دیدگاه نویسنده، برخلاف آنچه که دولت اوباما به آن امید بسته است، به هیچ وجه بشاراسد یک اصلاح‌طلب و یا اصلاح‌گرا نیست با وجود این به نظر نمی‌رسد که حتی با وجود سرکوب خشونت‌بار دولت سوریه علیه مخالفان، هنوز کاخ سفید این مسئله را متوجه شده و یا پیام آن را درک کرده باشد. در واقع آمریکا باید ذات و ضمیر اصلی بشاراسد را در سپتامبر ۲۰۰۷ درک می‌کرد. همان زمانی که هواپیماهای اسرائیلی، تأسیسات الکبار را که قرار بود تأسیسات اتمی آتی سوریه باشد و پلوتونیم و بمب اتمی تولید شود با خاک یکسان کردند.

نویسنده در ادامه ادعا می‌کند که با توجه به اینکه تلاش ایران برای دستیابی به بمب اتمی، منطقه را به رقابت تسلیحاتی کشانده، شاید سوریه هم همین راه را دنبال کند. اسد از این واقعیت خبر داشت و به همین علت پنهانی با کره شمالی در تماس ماند تا نره‌ذره قطعات بمب اتمی را جمع‌آوری کند، اما زمانی که تأسیسات اتمی سوریه پیشرفت محسوسی کرده بود، دیگر باید همه آن را آشکار می‌کرد. از سوی

1. Jamie M. Fly & Robert Zarate, "Syria's Nuclear Impunity", Weekly Standard, 6 Jun, 2011.

۲. از نشریات مهم و معتبر آمریکایی است.



دیگر اگرچه سوریه به‌عنوان یک عضو پیمان NPT (منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای) باید هرگونه تأسیسات اتمی خود را به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کند اما به‌جای آن اسد، مسیر ایرانی را در دستیابی به انرژی هسته‌ای پیش گرفت و قطعات لازم را مخفیانه جمع کرد تا مخفیانه تأسیساتش را راه بیندازد.

با وجود این، بالاخره آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ۲۴ می امسال به این نتیجه رسید که تأسیسات الکبار، رآکتور اتمی بوده است. شاید آژانس از این طریق بیشتر در تلاش است که پرونده سوریه را مانند ایران به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع دهد. این درحالی است که در زمان دبیرکلی محمد البرادعی در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، آژانس حاضر نشد روی پرونده سوریه کاری انجام دهد و به‌جای تنبیه سوریه، البرادعی تصمیم گرفت روی اسرائیل تمرکز کند. حتی گفت که حمله به تأسیسات اتمی اسرائیل، «نقض قوانین بین‌المللی» بوده است. مقامات سوری هم از حمایت البرادعی سوءاستفاده کرده و گفتند هواپیماهای اسرائیلی که منطقه را بمباران کردند، نمونه‌ای از مواد رادیواکتیو هم انداخته‌اند و گرنه مدرک دیگری در آنجا به دست نیامده است. البته حالا آژانس بین‌المللی انرژی اتمی فرق کرده و دیپلمات ژاپنی، یوکیا آمانو آن را هدایت می‌کند اما هنوز هم آژانس نمی‌داند سوریه تا پیش از حمله اسرائیل، چقدر وقت صرف جمع‌آوری تأسیسات اتمی کرده بوده و چقدر این حرکت زیرزمینی و مخفیانه بوده است.

در ادامه گزارش، نویسنده تأکید می‌کند که آمریکا باید به‌طور کامل از اهداف آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حمایت کند. در سال ۲۰۰۷ دولت جورج بوش حاضر نشد به‌طور آشکار فعالیت‌های اتمی سوریه را محکوم کند تا از هرگونه افزایش تنش

میان اسرائیل و سوریه جلوگیری کند. علاوه‌بر این بوش معتقد بود که تغییر در این شرایط ممکن است بر روند مذاکرات خلع سلاح اتمی با کره شمالی تأثیر منفی بگذارد. با ورود اوباما به کاخ سفید، وی تمایل زیادی به گفتگو و مذاکره با دمشق داشت و از این‌رو حاضر نشد این قضیه را بار دیگر پیش بکشد. باوجود این اخیراً دولت آمریکا اقدامات درستی را انجام داده و شماری از مقامات سوریه را به دلیل نقض حقوق بشر و سرکوب و کشتار معترضان و شهروندان این کشور، تحریم کرده است. اما آمریکا و اروپا مسئله هسته‌ای سوریه را به‌عنوان یک مسئله کلیدی و اساسی فراموش کرده‌اند. آمریکا باید از ارجاع پرونده اتمی سوریه به شورای امنیت سازمان ملل حمایت کند و تا زمانی که سوریه تمامی ابعاد برنامه اتمی خود را اعلام نکرده، این سیاست را باید دنبال کند. همچنین کاخ سفید باید در اسرع وقت و در ادامه تحریم‌هایی که به دلیل نقض مکرر حقوق بشر در سوریه اعمال کرده، تحریم‌هایی هم به دلیل برنامه اتمی مخفیانه علیه آن اعمال کند. برای مثال سال گذشته دولت اوباما مقامات و مؤسسات کره شمالی که در انتقال فناوری اتمی به سوریه دست داشتند را تحریم کرد ولی طرف‌های سوری را کنار گذاشت این درحالی است که به همان اندازه باید مقامات و مؤسسات و سازمان‌های سوری هم تحریم شوند.

با اعمال این تحریم‌ها، آمریکا نشان می‌دهد که بشاراسد، یکی از منابع بی‌ثباتی در منطقه است و هرگونه ثبات و امنیت در منطقه با رهبری جدید در سوریه امکان‌پذیر خواهد بود. در غیر این‌صورت، آمریکا این پیام را می‌دهد که فقط نظام‌های سرکوبگر هستند که می‌توانند در منطقه بمانند و دنبال بمب اتمی هم بروند. بنابراین آمریکا باید نشان دهد که اگر دولت و یا حکومتی این راه را انتخاب کرد، باید با عواقب آن هم روبرو شود.



عنوان: کابینه تازه تأسیس لبنان؛ تبریک ایران، تردید آمریکا^۱

نویسنده: سیمونا سیکیم

منبع: Daily Star^۲

با تشکیل دولت جدید لبنان، به رهبری حزب الله، پس از نزدیک به پنج ماه مشاجره و کشمکش سیاسی بر سر پست‌های کلیدی کابینه وزیران درحالی که رهبری ایران پیروزی لبنان در تأسیس کابینه جدیدش را به این کشور تبریک گفت، همزمان یک قانونگذار آمریکایی تهدید کرد که کمک‌های مالی آمریکا به لبنان قطع خواهد شد. علی‌اکبر صالحی، وزیر امور خارجه ایران، نیز تشکیل کابینه ۳۰ نفره لبنان متشکل از ۱۸ وزیر متعلق به جریان ۸ مارس را پیروزی درخشان برای ملت لبنان و دولت دانست و گفت: تشکیل دولت جدید لبنان، قدرت‌نمایی مردم لبنان در برابر تهاجم و سلطه اسرائیل و جهشی به سوی آرامش و ثبات در خاورمیانه است، اما رشد و پیشرفت مصالح ایران در لبنان، زنگ خطری را برای قانونگذاران آمریکا به صدا درمی‌آورد و رئیس مجلس کمیته امور خارجه، را هرچه سریع‌تر به واکنش وا می‌دارد که به کمک‌های ایالات متحده به لبنان - کمک‌هایی که در سال ۲۰۱۰ در جمع به ۲۳۰ میلیون دلار می‌رسد - پایان دهند.

حزب الله و گروه‌های همکار آن سکان هدایت دولت لبنان را به دست می‌گیرند و شاید از سالیان دراز کمک‌های آمریکا به این کشور و به ارتشش سود ببرند. براساس

1. Simona Sikimic, "Iran welcomes Cabinet, U.S. House Waves Stick", The Daily Star, 15 June, 2011.

۲. از نشریات مهم حوزه خاورمیانه است که در لبنان چاپ می‌شود و به بررسی مسائل منطقه می‌پردازد.

این است که نماینده آمریکا تأکید می‌کند که باید هرچه سریع‌تر کمک به دولت لبنان قطع شود و تا زمانی که هرگونه گروهی که در فهرست سازمان‌های تروریستی آمریکایی هستند در اداره دولت لبنان نقش دارد، ادامه کمک‌رسانی باید معلق بماند. همچنین آمریکا باید از کمک به مقامات فلسطین، جایی که حماس پا جای پای حزب الله می‌گذارد نیز خودداری کند، زیرا که فتح ماه پیش، پس از پنج سال موافقتنامه صلح‌نامه‌ای را با حماس به امضا رساند و اگرچه آمریکا نمی‌تواند اشتباهات گذشته را برگرداند ولی می‌تواند از آنها درس بگیرد و از دلارهای مالیاتی مردم محافظت کند که بیهوده فرستاده نشوند. اکنون زمان آن رسیده که سیاست معاونت خارجی آمریکا به جای اندیشیدن به رضایت حزب الله و شریکانش به فکر مصلحت آمریکا باشد.

از دیدگاه نویسنده، اظهارات این نماینده آمریکا رویکردی متفاوت و محتاطانه و حتی متضاد با گفته‌های اوباما را نشان می‌دهد که پیش از آن اعلام کرده بود دولت آمریکا کابینه لبنان را با عملکردش خواهد سنجید و از پیش قضاوت خودداری خواهد کرد. مارک تونر سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرد «چیزی که از دید ما اهمیت دارد وفاداری دولت تازه تأسیس لبنان به قانون اساسی است که این خود به معنی انکار و نفی خشونت است. از جمله تلاش برای مجازات کامل اقدامات علیه مقامات دولت پیشین و اجرای تعهدات بین‌المللی لبنان در شمار مسائلی است که حائز اهمیت شمرده می‌شود». البته باید توجه داشت که این کنگره است که اختیار کمک به ارتش لبنان را دارد و تلاش برای تقویت ارتش لبنان از سال ۲۰۰۵ بیش از ۷۰۰ میلیون دلار به این نهاد اختصاص یافته است. این نگرانی که تجهیزات نظامی اهدایی می‌تواند به دست حزب الله بیافتد مجلس کمیته امور خارجی را موقتاً بر آن داشت که



کمک‌های مالی را در ماه اوت ۲۰۱۰ مسدود کند. با این همه کاخ سفید بر این موضع اصرار دارد که کمک‌ها از سر گرفته می‌شود. دولت فرانسه نیز رویکردی محتاطانه درباره کابینه لبنان - وادار کردن لبنان به احترام نهادن به تعهدات بین‌المللی اش - دارد چنانچه وزیر امور خارجه فرانسه در بیانیه‌ای تأکید کرده است که تشکیل دولت لبنان گامی مهم برای لبنان و مردم لبنان است و ضروری است که دولت لبنان اجرای الزامات و تعهدات بین‌المللی را پیگیری کند، به‌ویژه درباره دادگاه ویژه لبنان (برای رسیدگی به پرونده کشته شدن نخست‌وزیر پیشین لبنان، رفیق الحریری) و درباره چگونگی بودجه و هزینه‌های این دادگاه باید دقت لازم به عمل آید.

ازسوی دیگر بان‌کی مون، دبیرکل سازمان ملل در بیانیه‌ای اعلام کرد که معتقد است که شکل‌گیری دولت تازه تأسیس لبنان پس از ماه‌ها رایزنی در سایه پشتیبانی میشل سلیمان و نخست‌وزیر کنونی نجیب میقاتی، گامی مهم در ایجاد دولتی عمل‌گرا و مسئولیت‌پذیر در لبنان است. دبیرکل سازمان ملل در انتظار آن است که برنامه و بینش دولت جدید هرچه سریع‌تر قطعی و نهایی شود. وی از دولت لبنان انتظار دارد که به تعهد خود در اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت پایدار بماند و دیگر تعهدات بین‌المللی خود را نیز به اجرا برساند.

در این شرایط، از یکسو میقاتی وعده داده که در چارچوب مرجعی مشخص برای دادگاه ویژه لبنان، به تمام تعهدات بین‌المللی این کشور پایدار بماند و ازسوی دیگر عربستان سعودی و قطر تاکنون از ابراز نظر عمومی درباره کابینه خودداری کرده‌اند که می‌باید پیش‌نویس بیانیه خط‌مشی خود را قبل از گرفتن رأی اعتماد از مجلس، با ترکیب جدید وزرا (تطبیق داده و) تنفیذ کنند.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۰۸۹۹

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: ماهنامه کاوش (۴۱)

نام دفتر: مطالعات سیاسی

تهیه و تدوین: محمود هاشمی چمگردانی

ناظر علمی: ناصر جمالزاده

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: مهدی جاودانی مقدم

سر ویراستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۵/۱